حادثه‌ها

اطفای حریق در انبار چوب مرتضی‌گرد

• سخنگوی آتش‌نشانی تهران از اطفای حریق انبار چوب در محله مرتضی‌گرد خبر داد. جلال ملکی با اشاره به آتش‌سوزی در انبار چوب محله مرتضی‌گرد گفت: ساعت ۷:۲۷ صبح یک مورد آتش‌سوزی در انبار چوب در محله مرتضی‌گرد، به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی تهران اطلاع داده شد. وی با بیان اینکه بلافاصله آتش‌نشانان چهار ایستگاه آتش‌نشانی به همراه چندین تانکر آب و خودروی حامل تجهیزات تنفسی به محل حادثه اعزام شدند، گفت: محل آتش‌سوزی یک انبار بزرگ چوب و ضایعات چوبی به وسعت ۷۰۰ متر بود که مقدار زیادی تخته، الوار، پالت‌های چوبی و دستگاه‌هایی که در همین زمینه استفاده می‌شود، در این انبار به ارتفاع چندین متر روی هم نگهداری می‌شد. سخنگوی آتش‌نشانی تهران با بیان اینکه این انبار کاملا شعله‌ور بود به طوری که دود حاصل از آتش‌سوزی از فواصل دور و نقاط مختلف تهران قابل رؤیت بود، گفت: در مجاورت این انبار نیز انبارها و کارگاه‌هایی وجود داشت و آتش در حال سرایت به انبارهای هم‌جوار بود. ملکی با بیان اینکه آتش‌نشانان تهران عملیات خود را به سرعت آغاز کردند، یادآور شد: آتش‌نشانان آتش را به سرعت مهار کردند و زبانه‌های آتش را به کنترل خود درآوردند. خوشبختانه این حادثه مورد مصدومی نداشت و آتش‌نشانان پس از خاموش‌شدن آتش در حال لکه‌گیری هستند. با توجه به اینکه حجم چوب‌ها زیاد است، لازم است برای لکه‌گیری از تجهیزاتی مانند لودر، این چوب‌ها و تخته‌ها جابه‌جا شود و آتش‌های پنهان و نهفته که دور از چشم است و معمولا زیر الوارها وجود دارد، کاملا خاموش و ایمن‌سازی شود.

دستگیری پلیس قلابی با تجهیزات قلابی

• رئیس کلانتری قلهک از دستگیری فردی که با یونیفرم پلیس، یک قبضه اسلحه پلاستیکی و دیگر تجهیزات قلابی پلیس به اخاذی از شهروندان مبادرت می‌کرد، خبر داد. سرگرد ضرغام آذین بیان کرد: عوامل کلانتری حین گشت‌زنی در خیابان دولت به یک نفر مشکوک شدند که با یونیفرم پلیس در اطراف مراکز خرید حضور شد. وی ادامه داد: پس از بررسی با توجه به تناقض‌گویی‌هایش در خصوص علت حضور در محل و پوشیدن لباس فرم پلیس بازرسی بدنی از وی صورت گرفت که یک قبضه اسلحه پلاستیکی به همراه تجهیزات قلابی پلیسی کشف شد. سرگرد آذین تصریح کرد: در این حین یکی از شهروندان با مراجعه به پلیس مدعی شد: لحظاتی قبل در حال تردد در محل بودم که متهم دستگیرشده با مراجعه نزد وی و معرفی خود به عنوان مأمور پلیس قصد اخاذی داشت که سریعا قصد تماس با ۱۱۰ را داشتم که متهم با اطلاع از این موضوع از محل متواری شد.

رئیس کلانتری ۱۲۴ قلهک افزود: متهم قصد به‌دام‌انداختن طعمه دیگری را داشت که توسط پلیس دستگیر و به کلانتری منتقل شد.

چهارمین سرقت خودرو با کودک

• چهارمین سرقت خودرو در حالی که کودکی درون آن بود، این بار در شهر پرند رخ داد و سارق با دیدن کودک درون خودرو، دختر سه‌ساله را در کنار خیابان رها کرد. ساعت ۱۱:۳۰ روز جمعه زنی هراسان در تماس با پلیس شهر پرند در جنوب غربی تهران از ربایش خودرویش در حالی که کودک سه‌ساله‌اش داخل آن بود، خبر داد. با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله تیم‌های پلیس تحقیقات خود را آغاز کردند اما دقایقی بعد زن جوان در تماس با پلیس مدعی شد سارق کودک را در کنار خیابان رها کرده و با خودرو متواری شده است. با حضور اکیپ پلیس آگاهی در محل رهاکردن کودک، این زن به مأموران گفت: دقایقی قبل به همراه پسر شش‌ساله و دختر سه‌ساله‌ام برای خرید از خانه با خودرو پژو ۴۰۵ خارج شدیم. نزدیک محل سکونت قصد داشتم از دکه روزنامه‌فروشی مجله بخرم، پسرم از خودرو پیاده شد و همراه من آمد اما دختر سه‌ساله‌ام در خودرو خواب بود. به همین دلیل او را داخل ماشین گذاشتم. این زن ادامه داد: یک لحظه به خودم آمدم و مردی را پشت فرمان خودرو دیدم. شوکه شده بودم که این دزد، خودرو را به همراه دخترم که داخل آن بود به سرقت برد. با کمک یک تاکسی به تعقیب دزد پرداختم که پس از چند دقیقه او دختر سه‌ساله‌ام را از خودرو پیاده کرد و متواری شد. تا ابتدای جاده ساوه دزد را تعقیب کردم اما او توانست فرار کند. با ثبت این شکایت تحقیقات برای دستگیری سارق کودک‌ربا آغاز شد.

اولین کودک‌ربایی با سرقت خودرو در ۲۹ تیرماه رخ داد و کودک هشت‌ماهه‌ای به نام بنیتا همراه خودرو پدرش ربوده و چندی‌بعد جسد بی‌جانش در داخل خودرو کشف شد. پس از آن دو بار دیگر در تهران سارقان خودرو را با کودک ربودند اما بلافاصله کودک را از خودرو پیاده کردند.

اعتراف مرد شکاک به همسرکشی

شرق: کارآگاهان جنایی در حال تحقیق از مردی هستند که متهم است همسرش را در جریان مشاجره خانوادگی به قتل رسانده و جنازه او را در خیابان رها کرده است.

چندی قبل مردی میان‌سال به پلیس آگاهی استان خراسان‌رضوی رفت و به مأموران گفت خواهر ۴۲ساله‌اش به نام کوکب گم شده است. او گفت: «خواهرم همراه شوهر و دو بچه‌اش زندگی می‌کرد اما مدتی طولانی است که از او هیچ خبری نداریم و هر بار که از شوهرش سراغ می‌گیریم، می‌گوید او هم نمی‌داند کوکب کجا رفته و چه بلایی سرش آمده است».

این مرد شوهرخواهرش به نام مجید را به‌عنوان مظنون معرفی کرد و گفت احتمالا او از سرنوشت کوکب خبر دارد.

به این ترتیب تحقیقات آغاز شد و پلیس در گام اول به پرس‌وجو از مجید پرداخت اما او با اظهار بی‌اطلاعی از همسرش گفت کوکب خانه را بدون هیچ توضیحی ترک کرده است.

اظهارات این مرد چندان منطقی به‌نظر نمی‌رسید؛ به‌ویژه آنکه زن میان‌سال دو فرزند کوچک داشت. کارآگاهان وقتی درباره این زن بیشتر تحقیق کردند، فهمیدند او از مدت‌ها قبل با شوهرش اختلاف داشت و مجید این زن را کتک می‌زد. این‌گونه بود که ظن کارآگاهان نسبت به مرد ۳۸ساله برانگیخته شد و آنها احتمال دادند جنایتی به‌وقوع پیوسته باشد به همین دلیل مجید را بازداشت کردند.

متهم در بازجویی‌های اولیه همان ادعاهای قبلی را تکرار کرد و گفت از سرنوشت همسرش اطلاعی ندارد با این حال تحقیقات از او ادامه یافت تا اینکه مرد جوان بالاخره اعتراف کرد کوکب را به قتل رسانده و جسدش را در خیابان رها کرده است.

مأموران بعد از اطلاع از زمان و محل رهاشدن جسد به بررسی موضوع پرداختند و فهمیدند کارگران شهرداری در آن زمان هنگام نظافت خیابان به کیسه‌ای مشکوک شده و جسدی را داخل آن یافته و پلیس را مطلع کرده بودند اما از آنجا که متوفی هیچ مدرک شناسایی همراه نداشت پرونده‌ای تحت‌عنوان مجهول‌الهویه تشکیل شده بود.

خانواده کوکب بعد از مراجعه به پزشکی قانونی و رؤیت جنازه هویت او را تأیید کردند. پس از آن بازجویی‌ها از متهم ادامه یافت و او جزئیات جنایتش را فاش کرد. مجید گفت: «مدتی بود نسبت به رفت‌وآمدهای همسرم مشکوک شده بودم و سر این موضوع با هم جروبحث می‌کردیم. روز حادثه نیز به‌خاطر همین مسئله با هم مشاجره کردیم. من به‌شدت عصبانی شده بودم و در همان حالت او را هل دادم که سرش به دیوار خورد و از حال رفت، البته زنده بود و تا فردای آن روز هنوز نفس می‌کشید. به نظر نمی‌رسید مشکل خاصی داشته باشد فقط تهوع داشت. من که نمی‌توانستم بچه‌ها را در آن شرایط در خانه نگه دارم همراه آنها به یک مسافرخانه رفتم و روز بعد از یکی از اقوامم به نام نادر خواستم به منزل ما برود و اورژانس را مطلع کند یا به خانواده کوکب خبر بدهد، اما او وقتی به منزل ما رسید تلفن زد و گفت زنم مرده است. بعد از آنکه به خانه رفتم با کمک نادر جنازه را در کیسه‌ای گذاشتم و لای پتو پیچیدم سپس آن را با یک تاکسی دربست به مسافرخانه بردم. نه راننده تاکسی و نه مسئول مسافرخانه متوجه جسد نشدند، اما نمی‌توانستم جنازه را همان‌جا نگه دارم برای همین روز بعد باز یک تاکسی دربست گرفتم و این بار جنازه را در خیابان رها و فرار کردم».

مأموران بعد از شنیدن اظهارات این مرد نادر را بازداشت کردند، اما او مدعی شد بی‌گناه است و اصلا به خانه مجید نرفته است. او گفت: «مجید با من اختلاف شخصی دارد و می‌خواهد با این ادعا از من انتقام بگیرد».

بنا بر این گزارش، در حال حاضر تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد و کارآگاهان درصدد هستند ابعاد پنهان این جنایت را فاش کنند.

متهم در دادگاه:

مقتول آبرویم را برده بود

شرق: پسری که متهم است دوست خود را خفه و جسدش را مخفی کرده بود، مدعی شد تعرض مقتول به او زندگی‌اش را تباه کرد و همین هم باعث شد از او انتقام بگیرد.

در جلسه اول رسیدگی به این پرونده متهم که نوجوانی ۱۷ساله است و به دلیل ابتلا به اختلال شخصیت، از طرف کانون اصلاح و تربیت به بیمارستان منتقل شده بود، از آنجا برای محاکمه به دادگاه برده شد.

نماینده دادستان در ابتدا، به قضات دادگاه کیفری تهران گفت: متهم دوم اردیبهشت یک سال قبل پسری جوان را که چند سال از خودش بزرگ‌تر بود، به قتل رسانده؛ او همچنین متهم به خریداری مواد مخدر، شرب خمر و استعمال مواد است.

متهم به دلیل دارابودن اختلال شخصیت که مورد تأیید پزشکی‌قانونی نیز قرار گرفته، از سوی کانون اصلاح و تربیت به بیمارستان منتقل شده و تا امروز صبح (روز محاکمه) در بیمارستان بوده است. اکنون درخواست رسیدگی به اتهام قتل را دارم، ضمن اینکه درخصوص شرب خمر و نگهداری مواد مخدر، با توجه به سن متهم، پرونده به‌صورت مستقیم به دادگاه ارائه شده و خواستار رسیدگی به آن هستم. سپس پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر و خواستار قصاص متهم شدند.

پدر مقتول گفت: «آنچه در مورد انگیزه قتل پسرم گفته شده است، درست نیست. پسرم انسان پاکی بود. متهم او را مسموم کرد و سپس به قتل رساند و حالا مدعی است پسرم به او تعرض کرده است. این گفته‌ها درست نیست و من خواستار مجازات متهم هستم». در ادامه نوبت به پسر نوجوان رسید. او اتهام قتل، شرب خمر و تهیه و استعمال مواد را قبول کرد و گفت: سال ۹۰ وقتی ۱۴ساله بودم، به تولد یکی از دوستانم دعوت شدم. ما همگی به خانه‌ای که قرار بود تولد برگزار شود، رفتیم. در آنجا مشروب زیاد خوردم و کاملا مست شدم و از حال رفتم.

وقتی به هوش آمدم، مقتول به من گفت تو را مورد تجاوز قرار دادم. بعد هم موضوع را به همه گفت. آبروی مرا همه‌جا برده بود، هروقت من را می‌دید، جلوی دوستانم می‌گفت به من تجاوز کرده است.

دست‌بردار نبود، مرتب به من زنگ می‌زد و درخواست رابطه می‌کرد. حال خوبی نداشتم؛ هرروز وضعم بدتر می‌شد و چند بار خودکشی کردم. ترک تحصیل کردم و نتوانستم درس بخوانم تا اینکه روز حادثه دوباره به من زنگ زد و گفت باید برایم حشیش تهیه کنی و با خودت بیاوری. من هم برایش مواد خریدم و به پارک رفتیم و حشیش را مصرف کرد، بعد من دستمالی را که با آن موتورم را تمیز می‌کردم، دور گردنش انداختم.

چون حشیش بدنش را سست کرده بود، نتوانست مقاومت کند. وقتی روی زمین افتاد، ترسیدم، چند ضربه به صورتش زدم بلکه بلند شود. اصلا حرکت نمی‌کرد. بعد دو تسمه دور گردنش انداختم و محکم بستم. سپس جسدش را پشت شمشادها انداختم. به خانه رفتم و موضوع را تعریف کردم. پدرم گفت بیا به کلانتری برویم و همه‌چیز را بگو. قبول نکردم. به دوستم زنگ زدم. او می‌دانست مقتول با من چه کرده است؛ با کمک او جسد را در کیسه خواب گذاشتم و می‌خواستیم به جایی منتقل کنیم که مأموران ما را دیدند و فردای آن روز بازداشت شدم.

در این هنگام به دلیل اینکه متهم مرتب به گریه می‌افتاد، قضات، دوست او را به جایگاه فراخواندند. او تأیید کرد مقتول، پسر نوجوان را مورد تجاوز قرار داده است. این پسر گفت: تولد من بود، مقتول حشیش کشیده و متهم هم مشروب خورده و مست بود و روی تخت افتاده بود.

مقتول چند بار سراغش رفت. ما جلویش را گرفتیم اما وقتی من خودم مواد کشیدم و نتوانستم بلند شوم، او رفت و پسر نوجوان را مورد تجاوز قرار داد و به همه گفت. بعد از آن متهم چند بار خودکشی کرد که هربار من به او کمک کردم و نجاتش دادم. مادر متهم نیز گفت: پسرم چند بار به من گفت دیگر نمی‌خواهد زندگی کند اما من نمی‌دانستم موضوع چیست. او افسرده بود ولی فکر نمی‌کردم باید به دکتر مراجعه کند.

سپس متهم یک بار دیگر در جایگاه حاضر شد. او گفت: من دروغ نگفتم، اگر خانواده مقتول قصد قصاص دارند، خونم بر آنها حلال است و اگر ببخشند نوکری آنها را می‌کنم. سپس وکیل متهم، دفاعیات خود را مطرح کرد و با پایان جلسه رسیدگی قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

بعد از پایان جلسه رسیدگی قضات شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و متهم را به حبس محکوم کردند؛ این رأی مورد اعتراض اولیای دم قرار گرفت و دیوان عالی کشور نیز اعتراض آنها را قبول کرد. در نهایت روز گذشته متهم یک بار دیگر پای میز محاکمه رفت و در شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. او گفته‌های قبلی خود را تکرار کرد و مدعی شد چون مورد تعرض قرار گرفته و زندگی‌اش تباه شده بود، دست به قتل زده است. با پایان جلسه دادگاه هیئت قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

مردی در دادگاه ادعا کرد

آدم‌ربایی برای انتقال مرد جوان به کمپ ترک اعتیاد

شرق: مردی جوان که مدعی است همسرش برای انتقام‌گیری او را به کمپ ترک اعتیاد کشانده است، با شکایت از همسر و رئیس کمپ ترک اعتیاد آنها را پای میز محاکمه کشاند.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده روز گذشته در شعبه دو دادگاه کیفری استان تهران انجام شد. در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست علیه مینا زن ۴۵ساله و همسر شاکی و عباس ۴۰ساله مسئول کمپ ترک اعتیاد را خواند و گفت: با توجه به اظهارات متهمان و سایر مدارک موجود در پرونده درخواست صدور حکم قانونی را دارم.

در ادامه مرد شاکی در جایگاه حاضر شد؛ او درباره شکایتش گفت: من و همسرم مدتی بود که با هم اختلاف داشتیم. چند روز قبل از حادثه همسرم خانه را ترک کرده بود که بعد با هم آشتی کردیم و او برگشت؛ اما هنوز دلخوری بینمان بود. روز حادثه من بعد از ۲۴ ساعت سرکاربودن به خانه رسیدم، تازه می‌خواستم لباس‌هایم را عوض و استراحت کنم که تلفن خانه زنگ زد. مأمور کلانتری من را احضار کرد و گفت شکایتی علیه شما شده و باید برای توضیح به کلانتری بیایید؛ من هم چون می‌دانستم احتمالا این شکایت از طرف همسرم است، گفتم اگر ممکن است فردا بیایم چون تازه از سر کار رسیده‌ام و خسته هستم. مأمور تأکید کرد که فردا حتما بروم و بعد گوشی را قطع کردم؛ بلافاصله زنگ درخانه به صدا درآمد؛ همسرم در را باز کرد و به من گفت آقایی با من کار دارد. بیرون در راهرو سه مرد قوی‌هیکل ایستاده بودند، به محض اینکه من را دیدند دست و پایم را بستند و به سمت ماشین بردند؛ گفتم توضیح دهید چه شده است گفتند از طرف کمپ ترک اعتیاد آمده‌ایم، گفتم من اعتیاد ندارم اشتباه کرده‌اند؛ با این حال به من گفتند مقاومت نکن و با ما بیا. تعداد آنها زیاد بود و من هم نتوانستم خیلی مقاومت کنم. به مرکز کمپ هم که رفتیم من به آنها گفتم اعتیاد ندارم اما به زور مرا بستری کردند. در این مدت خانواده‌ام دنبالم بودند و بعد از ۱۱ روز بالاخره توانستند با حکم دادسرا من را از کمپ نجات دهند.

این مرد ادامه داد: در آن مرکز بود که متوجه شدم همسرم مبلغی پول به کمپ داده تا من را ببرند؛ حالا هم از مدیر و همسرم شکایت دارم و برای هیچ‌کدام هم رضایت نمی‌دهم چون من اعتیاد ندارم و بارها هم این موضوع را در کمپ ترک اعتیاد گفته‌ام.

سپس به دستور قاضی پرونده مینا متهم ردیف اول در جایگاه ایستاد؛ او اتهام آدم‌ربایی را رد کرد و گفت: من و همسرم به خاطر اعتیادی که همسرم داشت اختلاف داشتیم. آن‌قدر در خانه تریاک می‌کشید که از بویش کلافه شده بودیم و همه درگیری‌های ما به خاطر این موضوع بود. موضوع اعتیاد شوهرم را به خانواده‌اش گفته بودم؛ آنها توجهی نمی‌کردند من هم مجبور شدم به عنوان همسری که ۲۰ سال با او زندگی کرده بود، نجاتش دهم و با کمپ ترک اعتیاد تماس گرفتم تا شوهرم را ببرند. من همسرش هستم و فامیل درجه یک محسوب می‌شوم.

قاضی گفت: فرزندان شما گفته‌اند که پدرشان اعتیاد نداشته است. اداره‌ای که شوهر شما در آن کار می‌کند هم عدم اعتیاد او را تأیید کرده است آزمایشاتی که از شوهرت در دادسرا گرفته شده هم نشان می‌دهد او اعتیاد ندارد؛ ضمن اینکه خانواده‌اش هم به این موضوع رضایت نداشته‌اند و حتی پدر شاکی گفته پسرش اعتیاد نداشته است؛ در ضمن همسر فامیل درجه یک محسوب نمی‌شود و پدر و مادر قیم هستند و قانون ولایت شما را به رسمیت نمی‌شناسد؛ پس چطور چنین ادعایی می‌کنید. متهم گفت: زمانی که شوهرم را بردند اعتیاد داشت و تستی که در کمپ از او گرفتند، اعتیادش را نشان داد. ضمن اینکه دخترم ابتدا گفته بود پدرش اعتیاد دارد اما بعد وقتی که پدرش به او گفته بود اگر حرفت را پس نگیری نفقه‌ات را نمی‌دهم، حرفش را پس گرفت.

در ادامه متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد؛ او اتهام را رد کرد و گفت: من به درخواست همسر شاکی دستور دادم او را به کمپ بیاورند؛ من و شاکی سال‌هاست همدیگر را می‌شناسیم و من می‌دانستم او اعتیاد دارد؛ به همین خاطر هم تصمیم گرفتم به همسرش کمک کنم. همسرش به من گفت شاکی او را کتک می‌زند. من هم گفتم حاضرم کمک کنم اما باید خانواده‌اش هم باشند. اما او گفت قیمش من هستم و خانواده‌اش نقشی ندارند؛ من هم قبول کردم کمک کنم؛ تست‌های مواد هم مثبت بود. به همین خاطر او را نگه داشتیم؛ ضمن اینکه پدرش شفاها هم تأیید کرد از این کار راضی است.

در این هنگام قاضی گفت: پدر مرد شاکی خودش دنبال پرونده پسرش بوده، چطور می‌گویی راضی است که متهم گفت: او شفاهی به من گفت کار خوبی کردید.

سپس وکلای متهمان در جایگاه حاضر شدند و دفاعیات خود را مطرح کردند. با پایان جلسه دادگاه هیئت قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

نزاع مرگ‌بار بر سر قیمت ضبط خودرو

شرق: جروبحث دو جوان بر سر قیمت ضبط ماشین، به درگیری خونین و مرگ یکی از آنها منجر شد. حدود ظهر هشتمین روز آذر، مأموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه پس از تماس با بازپرس کشیک قتل تهران که در آن زمان بازپرس مرادی این سمت را بر عهده داشت، از مرگ جوانی در بیمارستان تهرانپارس خبر دادند. در بررسی‌های اولیه، مشخص شد جوانی که جان خود را از دست داده است، محمود نام دارد و ۲۲ساله است. پزشکان بیمارستان علت مرگ او را جراحات وارده بر اثر اصابت شیء برنده اعلام کردند و با اعلام این جزئیات، بازپرس دستور تحقیقات بیشتر را صادر کرد. پس از آن، خود و تیم تحقیق پلیس آگاهی و پزشکی قانونی نیز در بیمارستان حاضر شدند. در ادامه مشخص شد محمود روز قبل از مرگش با جوان دیگری به نام حسن که فروشنده ضبط و سیستم صوتی خودرو است، درگیر و پس از جراحاتی که با چاقو به او وارد شده، به بیمارستان انتقال یافته است؛ ولی زخم‌ها کاری بوده و با وجود اقدامات پزشکی، جان او را گرفته است. با به‌دست‌آمدن این جزئیات، بازپرس مرادی دستور بازداشت حسن و دیگر عوامل حاضر در این درگیری را صادر کرد. با این دستور بازپرس جنایی، حسن و پنج نفر دیگر که در این درگیری خونین حضور داشتند، دستگیر شدند. همچنین در ادامه تحقیقات مشخص شد در این درگیری خونین تعدادی از رهگذران زخمی شده‌اند و به چند خودرو که در آن حوالی پارک بوده‌اند نیز خسارت وارد شده است. روز گذشته حسن در شعبه دوم بازپرسی جنایی دادسرای جنایی تهران حضور یافت و درباره این قتل گفت: مقتول روز قبل از مرگش به مغازه من آمد و ضبط و سیستم ماشین قیمت کرد و بعد سر همان با من جروبحث کرد. بعد دست‌به‌یقه شدیم و ماجرا موقتا تمام شد؛ اما کمی بعد با تعدادی از دوستانش درحالی‌که چاقو و قمه داشتند، به من حمله کردند. آن‌موقع همسایه‌ها هم در حمایت از من با مقتول و دوستانش درگیر شدند. من نمی‌دانم چه کسی به او چاقو زد، آنها می‌زدند و ما هم مجبور شدیم بزنیم؛ اما در نهایت کار به اینجا رسید. بازپرس مرادی پس از شنیدن اظهارات این متهم که در بازداشت است، دستور ادامه تحقیقات از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی را صادر کرد تا پس از تحقیقات دقیق، فیلم‌های به‌دست‌آمده از دوربین‌های مداربسته آن حوالی نیز بازبینی شود تا متهم اصلی پرونده شناسایی شود.

رخداد

کشف بزرگ‌ترین محموله مواد مخدر کشور

• فرمانده انتظامی استان هرمزگان از کشف بزرگ‌ترین محموله قاچاق مواد مخدر کشور در پنج سال گذشته به میزان هشت‌تن و ۸۷۸ کیلو انواع مواد مخدر در عملیاتی مسلحانه خبر داد. سردار عزیزاله ملکی گفت: در ادامه سلسله عملیات‌های مقابله با قاچاقچیان مواد مخدر، مأموران با بهره‌گیری از شیوه‌های پلیسی از بارانداز و تردد محموله سنگین مواد مخدر در منطقه جانوری شهرستان جاسک مطلع شدند و با اشراف اطلاعاتی و در یک دوره ۴۵روزه، محل دقیق تردد قاچاقچیان مواد مخدر، بارانداز و محل دپوی مواد را شناسایی کردند. وی تصریح کرد: به لحاظ کوهستانی‌بودن مسیر و اشراف دیدبانی قاچاقچیان بر منطقه، پس از یک درگیری مسلحانه بین مأموران و اشرار قاچاقچی در نزدیکی دپوی مواد مخدر، قاچاقچیان بعد از درماندگی، با استفاده از تاریکی هوا متواری شدند. سردار ملکی اظهار کرد: در این عملیات مأموران موفق به کشف و هشت‌تن و ۸۷۸ کیلوگرم انواع مواد مخدر و پنج قبضه سلاح جنگی به همراه مهمات مربوطه و سه دستگاه بی‌سیم دستی از قاچاقچیان شدند. فرمانده انتظامی استان هرمزگان با اشاره به اینکه یک نفر از قاچاقچیان دستگیر و تحقیقات برای شناسایی متهمان ادامه دارد، خاطرنشان کرد: منطقه جانوری منتهاالیه شرقی استان هرمزگان و در منطقه‌ای مثلثی بین استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان‌وبلوچستان واقع شده و به نوعی محل بارانداز مواد مخدر است.

سارق درون خودرو با ۵۰ فقره سرقت به آخر خط رسید

• فرمانده انتظامی استان فارس از دستگیری یک سارق حرفه‌ای درون خودرو و کشف ۵۰ فقره سرقت از وی در شیراز خبر داد. سردار «احمدعلی گودرزی» گفت: مأموران یک سارق را هنگام سرقت دستگیر و او را برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل کردند. وی ادامه داد: پس از تحقیقات مشخص شد متهم دستگیرشده از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار درون خودرو و دارای چندین فقره سابقه سرقت است. سردار گودرزی اظهار کرد: در تحقیقات فنی و تخصصی، متهم به ارتکاب ۵۰ فقره سرقت درون خودرو به تنهایی اقرار کرد که کلیه صحنه‌های سرقت بازسازی شد و تاکنون ۴۳ نفر از شاکیان شناسایی شده‌اند. این مقام انتظامی خاطرنشان کرد: تحقیقات برای سایر سرقت‌ها و شناسایی دیگر مال‌باختگان ادامه دارد.

پزشک قلابی داروی قاچاق تجویز می‌کرد

• پزشک قلابی که بدون داشتن مجوز قانونی اقدام به طبابت و توزیع داروی قاچاق می‌کرد، دستگیر شد. سرهنگ ابراهیم ملاشاهی رئیس پلیس آگاهی سیستان‌وبلوچستان گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر توزیع دارو توسط پزشک قلابی در سطح شهرستان زاهدان، بلافاصله موضوع در دستور کار مأموران اداره جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: مأموران پس از انجام تحقیقات محلی و پایش‌های اطلاعاتی و اطمینان از صحت موضوع با هماهنگی مراجع قضائی و رعایت موازین قانونی و شرعی به محل موردنظر اعزام شدند و در بازرسی از محل کار این متهم تعدادی سرم، آمپول، انواع قرص و شربت قاچاق کشف کردند. رئیس پلیس آگاهی استان سیستان‌وبلوچستان در پایان با اشاره به دستگیری یک متهم در این رابطه، از شهروندان خواست در صورت مشاهده و برخورد با هرگونه موارد مشکوک مراتب را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع‌رسانی کنند.

مهار زبانه‌های آتش در منزل مسکونی

• زبانه‌های آتش که یک منزل مسکونی را در بر گرفته بود، با تلاش نیروهای آتش‌نشانی کاملا خاموش شد. وقتی شهروندان متوجه بروز آتش‌سوزی در ساختمان مسکونی شدند، با سامانه ۱۲۵ تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۳ و ۹۹ به همراه گروه امداد و نجات ۹ و خودرو حامل دستگاه‌های تنفسی در ساعت ۵:۱۰ صبح به خیابان ۱۷ شهریور (مسیر جنوب به شمال)، کوچه تکلی رهسپار شدند. حسین کوکبی افسر آماده منطقه هشت آتش‌نشانی، دراین‌باره گفت: در ساختمانی یک‌طبقه به مساحت تقریبی ۶۰ مترمربع، آتش‌سوزی رخ داده و هر لحظه امکان سرایت شعله‌های آتش به ساختمان‌های مجاور وجود داشت. وی در ادامه گفت: نیروهای آتش‌نشانی به محض رسیدن به محل حادثه، پس از قطع جریان برق و گاز ساختمان، با به‌کارگیری تجهیزات خاموش‌کننده، در کوتاه‌ترین زمان ممکن آتش‌سوزی را مهار و کاملا خاموش کردند. افسر آماده منطقه هشت عملیات آتش‌نشانی، اضافه کرد: هم‌زمان با عملیات مهار آتش‌سوزی، گروه دیگری از آتش‌نشانان به دستگاه‌های تنفسی مجهز شدند و برای نجات محبوس‌شدگان احتمالی وارد محل حادثه شدند که خوشبختانه پس از جست‌وجو مشخص شد هیچ کس در داخل ساختمان محبوس نشده است و علت بروز این آتش‌سوزی از سوی کارشناسان علت‌یابی آتش‌نشانی تهران در حال بررسی است.